

نقاشی از طبیعت

هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل فراگیر باید بتواند از موضوع طبیعت:

– با آبرنگ و گواش به روش‌های مختلف نقاشی کند.

– به وسیله رنگ و روغن با شیوه‌های گوناگون نقاشی کند.

۱-۲- آشنایی با سابقه و سیر تحول نقاشی از طبیعت

انسان، از بدو تاریخ همواره با توسل به جادوی تصویر کوشیده است بر محیط و طبیعت پیرامون خویش مسلط شود. در عصر کهن، خدایان، تجسمی از نیروهای طبیعت بودند. از آن زمان تاکنون انسان به برخی چیزهای پیرامون خود مانند درختان، گل‌ها، سبزه‌ها، رودها و تپه‌ها و حالات مختلف آسمان و زمین توجه داشته است. شگفتی و هیبت، هنوز هم در اشکال مختلف طبیعت بر انسان تأثیر می‌گذارد. خلق منظره و اجزای آن در طول تاریخ به جلوه‌گاهی برای برداشت‌ها و تلقی‌ها از جهان پیرامون تبدیل شده است. مجموعه‌ای از این عناصر که «منظره» نام دارد، در ادوار اولیه تاریخ هنر کمتر به صورت مستقل دیده می‌شود. شاید، اولین منظره تاریخ هنر را بتوان، نقاشی دیواری مربوط به شهر باستانی «چتل‌هویوک» (واقع در ترکیه امروزی) دانست. این منظره ابتدایی، کوهی با دو قله و شهری با خانه‌های چهارگوش را نشان می‌دهد. خط‌ها و نقطه‌هایی که از قله بلندتر خارج می‌شوند، فوران مواد آتشفشانی را نشان می‌دهند.

برای هزاران سال بعد، نقاشان و هنرمندان، منظره و عناصر آن را به صورت مستقل به کار گرفتند. شاید بتوان گفت این مسأله به علت زندگی در بستر طبیعت و توجه بیشتر به اندام انسان و حیوان صورت گرفته است. البته باید خاطر نشان کرد که همواره عناصر طبیعت به صورت‌های نمادین و پالایش یافته یا در شکل نقوش به همراه دیگر موضوعات، تصویر می‌شد تا جایی که مثلاً گل نیلوفر، نمادی برای آفتاب یا آسمان یا تولد بود. گل‌های دوازده پر به کار رفته در تخت جمشید نیز، تجلی معانی نمادین است، و نیز می‌توان گفت که به صورت نقشی تلطیف‌کننده در حجاری‌ها به کار رفته است.

در عصر باستان، مصریان توجه ویژه‌ای به طبیعت نگاری داشتند. نمونه‌های بازمانده از هنر مصر، دقت هنرمندان مصری را در نشان دادن اجزای طبیعت نشان می‌دهد.

نقاشان عهد هلنی نیز در مشاهده پیرامون خود نگاهی ژرف و گویا داشتند. آن‌ها نورپردازی را به صورتی تزیینی وارد منظره کردند. پس از آن، رومیان نیز از این شیوه در نقاشی‌های دیواری خود سود جستند (تصویر ۱-۲).



تصویر ۱-۲- باغ رومی - نقاشی دیواری - پریمپورتا - نزدیک روم، اواخر قرن اول قبل از میلاد مسیح

در قرون وسطا، طبیعت حالتی منجمد و رهبانی می‌یابد و منظره، ماهیتی تزئینی و نمادین دارد. هنر شرق قبل از این به طبیعت پردازی توجه می‌کند. چینی‌ها بیش از ملل شرقی از موضوع طبیعت در نقاشی‌هایشان بهره می‌گیرند. طبیعت در هنر چین، تجلی نیرویی برتر است. زاویه دیدهای متغیر نقاش چینی، برخلاف نقاشی‌های غربی، نقطه تلاقی واحدی ندارند. برای درک این نقاشی‌ها باید جزئیات آن را نیز در نظر گرفت. همچنین، نزدیکی و دوری به صورتی عمودی و از پایین به بالا صورت می‌گیرد. این طبیعت، در نقاشی ایرانی حالتی جواهرگون و رنگارنگ دارد. همزمان در تذهیب‌کاری‌ها، عناصر طبیعت به صورتی ساده و نمادین نقوشی را می‌سازند که در بسترهای مختلفی از کاغذ گرفته تا سنگ و پولاد جلوه‌گر می‌شوند (تصاویر ۲-۲ و ۲-۳).

در دوران رنسانس محور توجه هنرمند، انسان بود و طبیعت، همواره نقشی حاشیه‌ای داشت. اما در همین زمان است که هنرمندان به خاصیت رنگ‌های سرد در عمق‌نمایی پی می‌برند. هنرمندانی چون «لئوناردو داوینچی»^۱ به صورتی علمی به مطالعه اجزای طبیعت می‌پردازند. عقیده بر این است که نخستین منظره‌نگاری مستقل و نوین، به دست هوبرت وان آیک^۲ نقاشی شده است. آلبرت دورر^۳ و پیتر بروگل^۴ در هلند کیفیت ریزنگاری طبیعت را در کارهایشان به تصویر می‌کشند. در قرن هفدهم ال گرکو^۵، برای اولین بار در منظره‌پردازی روحیه‌ای اکسپرسیونیستی را به نمایش می‌گذارد.

۱- Leonardo da Vinci (1452 - 1519)

۲- Hubert van Eyck (1426 - ?)

نام پرده وان آیک «ستایش بره خدا» است و در آن باغی بهشتی و نمادین تصویر شده است (رجوع شود به کنت کلارک، سیر منظره‌پردازی در هنر اروپا،

۳- Albrecht Durer (1471 - 1528)

۴- Pieter Bruegel (1525 - 1569)

۵- El Greco (1541 - 1614)



تصویر ۲-۲- منظره کوه‌ها و چشمه‌ها - بهبهان - آبرنگ ۱۳۹۸ م - ۶۳/۴×۵ سانتی‌متر - موزه هنر اسلامی ترکیه - استانبول



تصویر ۳-۲- میمون و لاک پشت - از کتاب کلیله و دمنه - مکتب تیموری ۱۴۲۰ - ۱۴۱۰ میلادی - $۵\frac{۷}{۸} \times ۴\frac{۵}{۸}$ سانتی متر

منظره‌های ال گرکو، با نگرشی منحصر به فرد و با طرح‌بندی اطوارگرایانه و نقطه دید بالا (در چشم‌انداز تولدو^۱) (تصویر ۴-۲) نشانگر روح پرتلاطم و وهم انگیز طبیعت است. دوران «باروک»^۲، با نقاشانی همچون روبنس^۳ و رامبراند^۴، عناصر طبیعت را با پیچ و تاب‌ها و نورپردازی‌های شکوهمند جلوه‌گر می‌سازند. این روحیه در شیوه «روکوکو»^۵، تزینی‌تر و افراط‌گرایانه‌تر می‌شود. در سنت اروپا تا مدتی، چشم‌اندازهای طبیعت بیشتر نقش پس زمینه را دارد تا این‌که، در سده هفدهم، منظره نقش عمده می‌یابد. کلود (ژله) لُرن^۶، حالات غم‌انگیز مناظر ایتالیا را با احساسی شاعرانه درمی‌آمیزد. این حالت در آثار منظره‌پردازان «رمانتیسیسم»^۷ در اوایل قرن نوزدهم به اوج خود می‌رسد. در این زمان کانستبل^۸ و ترنر^۹، به درخشش و پویایی نور و رنگ در منظره توجه می‌کنند (تصاویر ۵-۲ و ۶-۲).

۱- View of Toledo

۲- Baroque

۳- Peter Rubens (1577 - 1640)

۴- Van Rijn Rembrandt (1606 - 69)

۵- Rococo

۶- Claude Gellée (1600 - 82)

۷- Romanticism

۸- Constable, John (1776 - 1837)

۹- Turner, Joseph Mallord William (1775 - 1851)



تصویر ۴-۲. ال گرکو - منظره‌ای از تولدو - رنگ و روغن روی بوم - ۱۶۱۰ - ۱۵۹۵ - ۱۲۱×۱۰۹ سانتی‌متر



تصویر ۵-۲. جان کانستبل - منظره - رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۶-۲- ویلیام ترنر - آتش‌سوزی در پارلمان انگلیس - ۱۸۳۵ - ۱۸۳۴ - رنگ و روغن
روی بوم - ۹۲/۷ × ۱۲۳/۲ سانتی‌متر - موزه هنر کلیولند



تصویر ۷-۲- ویلیام تروست ریچارد - صخره‌ها و موج - آبرنگ و گواش - ۱۸۷۶ م.

۱- William Trost Richards (1833 - 1905)

تجربه نزدیک طبیعت همراه با اُنسی درونی، مورد توجه نقاشان منظره‌پرداز قرار می‌گیرد. کانستبل، با بازنمایی مناظر روستایی و ترنر، با نشان دادن نیروی رام نشدنی طبیعت و رنگ‌ها و نور متلاطم، ذهنیتی شورانگیز را از طبیعت به دست می‌دهند. ترنر کاربرد رنگ را مدیون کار با آبرنگ بود. رقت و شفافیت رنگ‌های آبرنگ امکان استفاده جسورانه و هماهنگ رنگ‌ها را فراهم می‌نمود. کانستبل برداشت‌های حسی خود را با چند حرکت سریع قلم مو ثبت می‌کرد. بدین سان طراوت طبیعت را به بهترین شکل در آثارش نشان می‌داد. این نوع نگاه در فرانسه بر نقاشانی مثل کامیل کورو^۱ (تصویر ۸-۲) و میه^۲ و دیگران در مکتب «باربیزون»^۳ تأثیر گذاشت.

در آلمان، روحیه رمانتی سیسم در منظره‌های «کاسپارداوید فریدریش»^۴ (تصویر ۹-۲) با نوعی احساس مذهبی و سکوتی عمیق توأم بود.



تصویر ۸-۲- کامیل کورو - منظره ۲۸-۱۸۲۶ - رنگ و روغن روی بوم - ۴۴×۳۰ سانتی متر

۱- Camille Corot (1796 - 1875)

۲- Francois Millet (1814 - 75)

۳- اعضای این مکتب، گروهی از نقاشان منظره‌ساز بودند که در دهکده باربیزون، نزدیک جنگل فونتن‌بلو اقامت داشتند.

۴- Friedrich, Caspar David (1774 - 1840)



تصویر ۹-۲- کاسپار داوید فریدریش - درخت در برف - رنگ و روغن روی بوم - ۱۸۲۹ میلادی - ۷۱×۴۸ سانتی متر



تصویر ۱۰-۲- جان ویلهلم شیرمر - ۱۸۴۰ - رنگ و روغن روی بوم - ۷۶×۵۴ سانتی متر



تصویر ۱۱-۲- فردریک نرلی - تیولی ۱۸۳۴- رنگ و روغن روی کاغذ - ۵۴/۴×۳۹/۸ سانتی متر



تصویر ۱۲-۲- پارکس بولینگتون - در جنگل -
رنگ و روغن روی فیبر - ۳۲/۵×۲۴ سانتی متر -
موزه مرکزی بریتانیا



تصویر ۱۳-۲- جیمز دیوید اسمیل - منظره - سپتامبر ۱۸۶۹ - آبرنگ و گواش



تصویر ۱۴-۲- ویلیام تروست ریچارد - صخره ساحلی - ۱۸۷۷

در تابلوهای رئالیستی^۱ کوره^۲، طبیعت با قشر ضخیم رنگ و اجزای بزرگ‌نمایی شده در پیش‌زمینه دیده می‌شود. در روسیه نیز منظره پردازی رئالیستی در کارهای نقاشانی چون سرف^۳، شیشکین^۴ و له‌ویتان^۵، دیده می‌شود. جنبش «امپرسیونیسم»^۶ همراه با تحول شگرفی که در نگرش حالات متغیر نور و رنگ به وجود آورد، باعث شد تا نقاش، بیش از همیشه به تجربیات عینی و زودگذر طبیعت تأکید کند. نقاشانی چون مانه^۷، مونه^۸ (تصویر ۱۵-۲)، رنوار^۹، سیسلی^{۱۰}، پیسارو^{۱۱} و دگا^{۱۲}، از سردمداران نهضت امپرسیونیسم به‌شمار می‌روند. تفکیک رنگ و نور در کار «نئو امپرسیونیست‌هایی»^{۱۳} چون سورا^{۱۴} و سینیاک^{۱۵}، در شکل نقطه‌هایی رنگین متجلی گشت. همچنین شور عاطفی و رنگ‌های تابان در آثار وان گوگ^{۱۶} (تصویر ۱۶-۲)؛ خصوصیات نمادین و رنگ‌های یکدست در آثار گوگن^{۱۷} و ساختار هندسی ترکیب‌بندی و توجه به لغزندگی رنگ و نور در زاویه دیدهای متفاوت در آثار سزان (تصویر ۱۷-۲)، راز دستاوردهای دیگر نئو امپرسیونیست‌ها بود. امپرسیونیست‌ها و نئو امپرسیونیست‌ها، به دلیل رویکرد به رنگ‌های شفاف، به تدریج به رنگ‌های تخت گرایش یافتند. زوایای دید ناگهانی که در کار عکاسان نیز دیده می‌شد آن‌ها را به سمت کارهای نقاشی شرق بخصوص باسمه‌های ژاپنی کشاند.



تصویر ۱۵-۲. کلود مونه — طبیعت نزدیک منتون — رنگ و روغن روی بوم — ۱۸۸۴ میلادی — ۳۳×۲۷ سانتی‌متر

۱_ Realism

۴_ Ivan Shishkin

۷_ Edouard Manet (1832 - 83)

۱۰_ Alfred Sisley (1839 - 99)

۱۳_ Neo - Impressionist

۱۶_ Vincent Willem van GOGH (1853 - 1890)

۱۷_ Paul, gaugin (1848 - 1903)

۲_ Courbet, Gustave (1819 - 1877)

۵_ Isaac Levita

۸_ Claude Monet (1840 - 1926)

۱۱_ Camille Pissarro (1830 - 1903)

۱۴_ Georges Seurat (1859 - 91)

۳_ Valentin Serov

۶_ Imperpressionism

۹_ Auguste Renoir (1841 - 1919)

۱۲_ Edgar Degas (1834 - 1917)

۱۵_ Paul, Signac (1863 - 1935)



تصویر ۱۶-۲- و نسان وان گوگ - درختان شکوفه - رنگ و روغن روی بوم - ۱۸۸۸



تصویر ۱۷-۲- پل سزان - پل و کوه سنت ویکتور - ۸۷ - ۱۸۸۵

کسانی چون هوکوسای^۱ و هیروشیگه^۲، تمام این خصوصیات را به بهترین شکل در آثار خویش متجلی ساخته بودند و آثارشان بر هنرمندان پس از امپرسیونیست تأثیرگذار شد.

هوکوسای، در سی و دو منظره از «کوه فوجی» (تصویر ۱۸-۲)، ترکیب‌بندی‌های بدیع و گوناگونی را از یک موضوع طبیعت (کوه فوجی) ارائه می‌دهد که از آثار درخشان تاریخ منظره‌سازی محسوب می‌شود. توجه به رنگ تا رسیدن به رنگ‌های خالص و تند در کار «فووسیت‌ها»^۳ (مانند آثار اولیه ماتیس^۴ و آندر دُرِن^۵) (تصویر ۱۹-۲) و تکیه بر بیان احساس مبتنی بر اعتراض، تنفر و دلهره، ناشی از جنگ دوم جهانی در آثار «اکسپرسیونیست‌ها»^۶ (مانند مونش^۷، کوکوشکا^۸ (۲۱-۲)، امیل نولده^۹، ایگون شیهله^{۱۰} و...) (تصویر ۲۲-۲) منظره‌پردازی را به سمت برداشت‌های ذهنی و تبدیل آن به بستری برای بیان شخصی هنرمند، سوق داد.



تصویر ۱۸-۲ — هوکوسای — Katsushika Hokusai — منظره کوه فوجی — چاپ چوب

۱ — Hatsushika, Hokusai (1760 - 1849)

۴ — Henri, Matisse (1869 - 1954)

۷ — Edvard munch (1863 - 1944)

۹ — Emil Nolde (1867 - 1956)

۲ — Ando, Hiroshige (1797 - 1858)

۵ — Andre Derain (1880 - 1954)

۸ — Oskar Kokoschka (1886 - 1980)

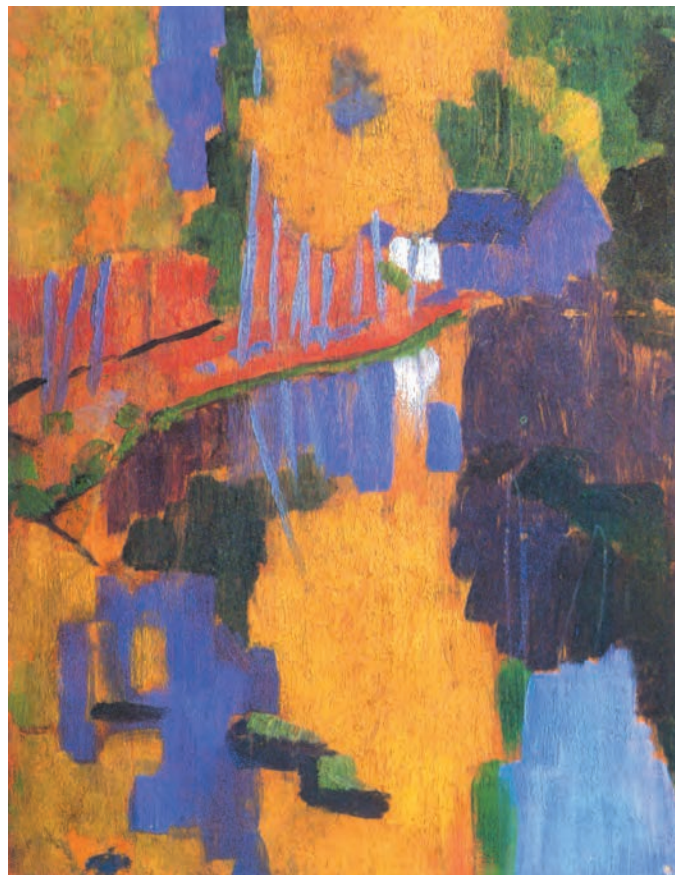
۱۰ — Egon Schiele (1890 - 1918)

۳ — Fauvism

۶ — Expressionism



تصویر ۱۹-۲- آندره دُرن- کوه‌های کولیور- ۱۹۰۵- رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۲۰-۲- پل سروزیه- منظره- رنگ و روغن روی بوم



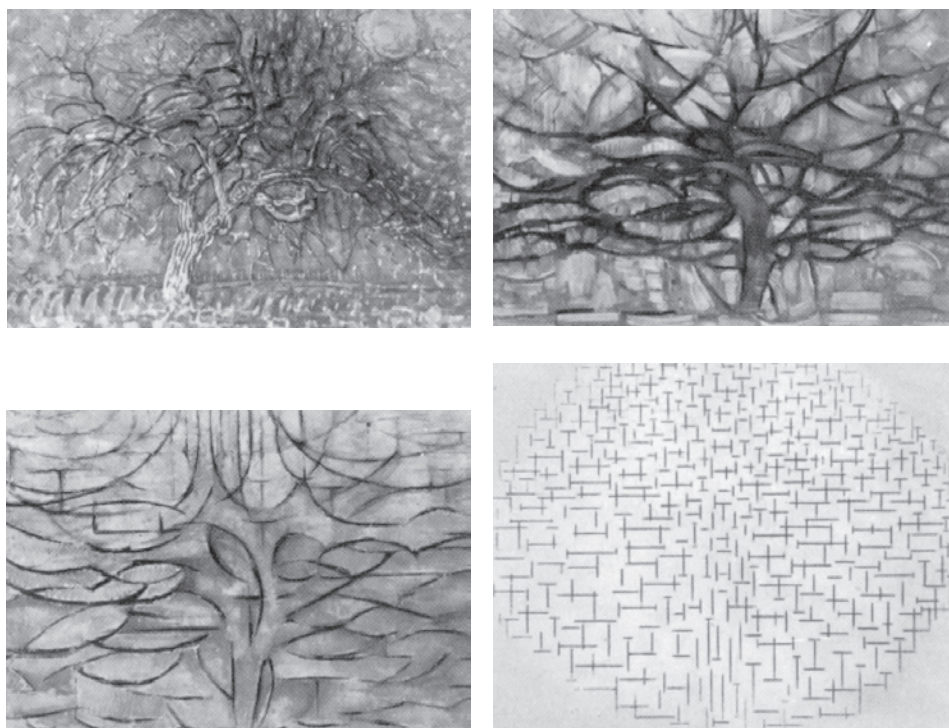
تصویر ۲۱-۲- اسکار کوکوشکا- پل و قایق‌ها- ۱۹۲۳- رنگ و روغن روی بوم



تصویر ۲۲-۲- ایگون شیله- پل- ۱۹۱۳- رنگ و روغن روی بوم

«کوبیست‌ها»^۱ نیز با ایجاد تحوّل در دیدگاه‌های سزان (تکیه بر احجام هندسی، به سطح رساندن عناصر نقاشی و زوایای دید متفاوت از یک موضوع) برش‌هایی در منظره پدید آوردند تا موضوع کار خویش را به «فرم‌های اولیه»^۲ نزدیک سازند. خیال‌پردازی در منظره‌های روسو^۳، بعدها در کارهای شاگال^۴ و نیز در آثار سوررئالیست‌ها^۵، حالت وهم‌انگیز و خواب‌گونه می‌یابد. همچنین رنه ماگريت^۶ و سالوادردالی^۷، با جابه‌جا کردن مناسبات تصویری و خوان میرو^۸ و مارکس ارنست^۹ با غیرواقعی کردن و تغییر اشکال، مرحله دیگری را در منظره پردازی به نمایش می‌گذارند. منظره‌های انتزاعی کاندینسکی^{۱۰} و موندریان^{۱۱} (تصویر ۲۳-۲)، طبیعت را تا حد لکه‌ها و خطوط، ساده می‌کنند. نقاشی از طبیعت، تا عصر حاضر نیز یکی از شاخه‌های مهم نقاشی‌ست و هر یک از نقاشان سعی نموده‌اند راهی تازه را در این عرصه بگشایند.

باید خاطر نشان کرد که طبیعت‌نگاری در شرق، همیشه با دیدگاهی اشراقی و عارفانه همراه بوده است. این نگاه، همه اجزای طبیعت را تابعی از نیروی برتر می‌داند. نقاشی «ذن» از طریق ثبت آنی نیروی درونی طبیعت و اهمیت دادن به فضای خالی تصویر و نقاشی ایرانی با پرداخت به اجزای کوچک و بزرگ و دستیابی به عالمی مثالی، این هدف را تحقق می‌بخشند.



تصویر ۲۳-۲ — پیت موندریان — مراحل ساده کردن درخت در کارهای نقاشی از ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۵

۱— Cubism

۲— فرم‌های اولیه عبارتند از کره، مخروط و استوانه.

۳— Henri, Rousseau (1844 - 1910)

۴— Marc, Chagall (1887 - 1985)

۵— Surrealism

۶— René, Magritte (1898 - 1967)

۷— Salvador, dali (1904 - 89)

۸— Joan, Miró (1893 - 1983)

۹— Max, Ernst (1891 - 1976)

۱۰— Wassily, Kandinsky (1866 - 1944)

۱۱— Piet, Mondrian (1872 - 1944)



تصویر ۲۴-۲- ادوارد هوپر - خانه - رنگ روغن روی بوم - ۳۶×۵۰ سانتی متر



تصویر ۲۵-۲- ریچارد استس - انعکاس‌های اتوبوس - رنگ و روغن روی بوم - ۱۹۷۹ - ۱۵۱×۱۳۲ سانتی متر



تصویر ۲۶-۲- دیوید هاکنی - نخل منعکس شده در استخر - آریزونا ۱۹۷۶ - مدادرنگی روی مقوا
(نمونه‌ای از سایه‌زنی‌های متنوع)



تصویر ۲۷-۲- ولف کان- رنگ و روغن روی بوم- ۱۹۸۷- ۷۲×۸۶ سانتی متر



تصویر ۲۸-۲- منظره درختان با استفاده از سایه زنی چند جهته



تصویر ۲۹-۲ — احمد اسفندیاری — کمپوزیسیون — رنگ و روغن — ۵۰×۶۰ سانتی متر



تصویر ۳۰-۲ — سهراب سپهری — رنگ و روغن به شیوه تخت — ۹۹×۳۰ سانتی متر



تصویر ۳۱-۲- سهراب سپهری - درخت‌ها - رنگ و روغن روی بوم - ۵۱×۴۰/۵ سانتی‌متر



تصویر ۳۲-۲- سهراب سپهری - منظره - آبرنگ بر روی کاغذ - ۶۴/۵×۴۹/۵ - (۱۳۵۷) هـ.



تصویر ۲-۳۳

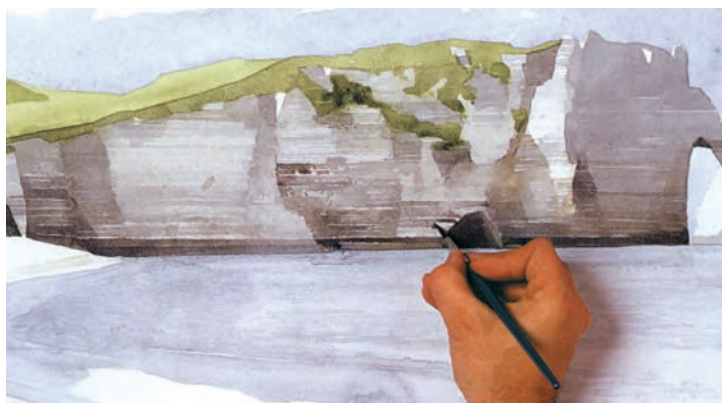


تصویر ۲-۳۴

تصاویر ۲-۳۳ و ۲-۳۴ - مراحل منظره پردازی با آبرنگ



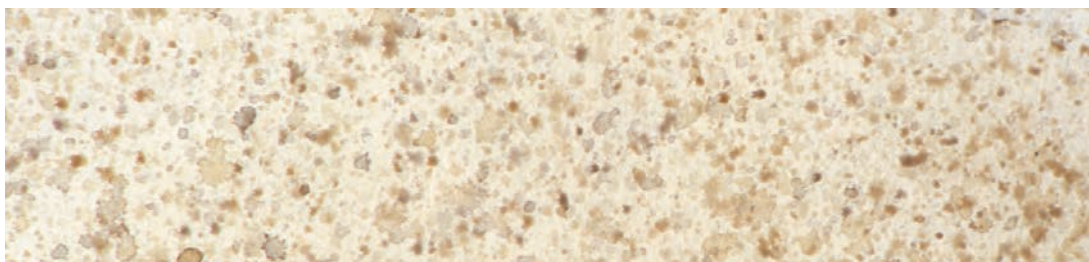
تصویر ۲-۳۵



تصویر ۲-۳۶



تصویر ۲-۳۷



تصویر ۲-۳۸



تصویر ۲-۳۹

تصاویر ۲-۳۵ تا ۲-۳۹ از پاشیدن رنگ، برای بافت‌سازی می‌توان بهره گرفت. همچنین با کشیدن ته قلم مو بر روی سطوح رنگ آمیزی شده‌ای که هنوز خیس‌اند می‌توان خط‌هایی را به وجود آورد.



تصویر ۲-۴۰



تصویر ۲-۴۱

تصاویر ۲-۴۰ و ۲-۴۱ - قلم‌موهای مختلف آبرنگ درجات مختلفی از ضخامت را به دست می‌دهند.

۲-۲- شناخت روش‌های نقاشی از طبیعت با آبرنگ و گواش^۱

نقاشی از طبیعت به شیوه آبرنگ و گواش مانند طبیعت بی‌جان است. در نقاشی از طبیعت به شیوه آبرنگ یا گواش رقیق، به لکه‌های رنگی و نور و سایه‌ها توجه زیادی باید نمود. برای این که به جزئیات ریز و زاید منظره توجه نکنیم، بهتر است با چشمان نیم‌بسته به موضوع نگاه کنیم.

برای این کار با آبرنگ و گواش رقیق، از رنگ‌های روشن شروع می‌کنیم و به رنگ‌های تیره می‌رسیم. شکل نورها و سایه‌ها و نحوه‌ی قرار گرفتن شاخه‌ها و برگ‌ها، نسبت به ساقه اصلی درخت‌ها و تفاوت بافت‌ها را می‌توان با نحوه‌ی به کار بردن قسمت‌های متنوع قلم‌مو به دست آورد.

وسایل کمکی مانند «میسکیت»^۲ (مثلاً برای شکوفه‌های سفید، یا ساقه‌های روشن‌تر و یا گل‌های کوچک لای علف‌ها)، پاشیدن نمک (برای بافت‌شن‌ها و ...)، کاربرد ابر درشت بافت و نایلن مجاله شده (مثلاً برای بافت سنگ‌ها و خاک) می‌تواند به سرعت بخشیدن کار و رفتارهای مختلف هنرمندانه کمک کند. در شیوه‌ی غلیظ گواش هم می‌توان پس از خشک شدن رنگ‌های آبرنگ یا گواش رقیق، جاهای موردنظر را با قشر رنگ پوشاند و یا تیره یا روشن‌تر نمود. همچنین می‌توان با روش مستقیم، رنگ‌ها را با تنوع و به‌صورتی سرامیک‌گونه (مجزا از هم) کنار هم چید. این روش با شیوه‌های امپرسیونیستی، همخوانی بیشتری دارد. رنگ‌های غلیظ را پس از خشک شدن می‌توان دوباره با رنگ پوشاند، اما این کار نباید به‌طور مکرر، انجام گیرد. مقواهای مختلف، نتیجه‌های متفاوتی را در پی دارند. در فرایند نقاشی، با تمرین زیاد می‌توان روش‌های شخصی را به دست آورد.

۱- از وسایل دیگری که می‌توان در نقاشی از آن استفاده کرد «آکرلیک» است. آکرلیک، ضمن آن که خصوصیات گواش را داراست، قابلیت پوشاندگی و چسبندگی بیشتری دارد و می‌توان آن را روی بوم نیز استفاده نمود یا با شیوه‌های دیگر مثل رنگ و روغن و پاستل (پس از خشک شدن آکرلیک) آن را ترکیب کرد.

۲- Miskit



تصویر ۲-۴۲



تصویر ۲-۴۳

تصاویر ۲-۴۲ و ۲-۴۳ در منظره‌سازی با روش گواش از رنگ‌های رقیق شروع نموده، با ساده کردن اجزای طبیعت، کم‌کم عناصر طبیعت را کامل می‌کنیم. علاوه بر خاکستری‌ها، سیاه‌ها و قهوه‌ای‌ها، از رنگ‌های سرد و جابگزين هم سود می‌جوییم.



تصویر ۲-۴۴



تصویر ۲-۴۵

تصاویر ۲-۴۴ و ۲-۴۵ - طبیعت، درعین نظم حاوی بی‌نظمی‌ست. بافت درخت‌ها، علف‌ها و زمین و تنوع رنگ در تغییر و تشخیص عناصر آن مهم هستند. می‌توانید اوقات مختلف روز را در یک منظره تجربه کنید.



تصویر ۲-۴۶ - آبرنگ از طبیعت که به‌صورت اسکیز و با لکه‌های آزاد، کار شده است. (اثر نویسندگان)